میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی شهر تهران

کتایون خوشابی*، مجتبی حبیبی عسگرآبادی، سیده زینب فرزادفرد*** **پروانه محمدخانی******

طرح مساله: *این پژوهش با هدف بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش آموزان دورهٔ راهنمایی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ اجراء شده است.*

روش: *مطالعه از نوع توصیفی و نیز همه‌گیرشناسی است که بر روی ۱۵۳۰ دانش‌آموز دورهٔ راهنمایی (۷۸۵ دانش‌آموز پسر و ۷۴۵ دانش‌آموز دختر) با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای چند مرحله‌ای اجراء شده است. ابزار پژوهش یک پرسش‌نامهٔ محقق ساخته بود که روایی و پایایی آن در مرحلهٔ مقدماتی مورد بررسی و تایید قرار گرفت.*

یافته‌ها: *نتایج پژوهش نشان داد که شیوع آزار جسمانی خفیف ۳۸/۳ درصد، آزار جسمانی شدید ۳۵/۹ درصد، بی‌توجهی ۲۰/۵ درصد و آزار عاطفی ۶۲/۵ درصد است. همچنین رابطهٔ معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان، منطقهٔ محل زندگی، تحصیلات والدین، شغل والدین و طلاق والدین با شیوع کودک‌آزاری وجود دارد.*

نتایج: *به استناد یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که شیوع کودک‌آزاری در حد بالایی است و این مساله نیازمند توجه هرچه بیشتر مسئولان جهت پیشگیری از تبعات منفی کودک آزاری است.*

کلید واژه‌ها: دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی، شیوع، کودک آزاری

تاریخ دریافت: ۸۶/۵/۴ ***تاریخ پذیرش: ۸۷/۲/۲۲***

* فلوشیپ روان‌پزشکی کودک و نوجوان، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <kkhushabi@yahoo.com>

** دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی سلامت، دانشگاه تهران

*** کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، بیمارستان توانبخشی رفیده

**** دکتر روان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

۱) مفاهیم

۱-۱) مفهوم کودک‌آزاری

الکساندر کودک‌آزاری را این‌گونه تعریف کرده است: «هرگونه آسیب جسمانی یا روانی، سوء استفادهٔ جنسی و رفتارهای اهمال‌گرانه یا خشونت‌آمیز نسبت به کودک توسط فردی که مسئولیت آسایش و رفاه او را بر عهده دارد، به طوری‌که سلامت و آسایش کودک به خطر افتد (Alexander, et al., 2001). میلز کودک آزاری را انجام یا اجازه به دیگران برای ایجاد آسیب جسمی، جنسی و عاطفی نسبت به کودک و ایجاد درد جسمی و عاطفی تعریف کرده است (Mills, et al., 2000). هم‌چنین شِر، کودک‌آزاری را هرگونه اعمال خشونت‌آمیز جسمی، روانی و بی‌توجهی نسبت به کودکان می‌داند (Scher, 2004).

۱-۲) انواع کودک‌آزاری

آزار دیدگی بنا به تعاریف مختلف، عمدتاً چهار شکل به خود می‌گیرد که عبارت‌اند از: بی‌توجهی[1]، آزار عاطفی[2]، آزار جسمانی[3] و آزار جنسی[4] (Marvasti, 2000; Walker, et al., 1988).

۱-۲-۱) بی‌توجهی

در حالی‌که آزار به معنی «ارتکاب» یک عمل در نظر گرفته شده است، بی‌توجهی «حذف» یک عمل در نظر گرفته می‌شود. بی‌توجهی را نیز می‌توان به سه دستهٔ بی‌توجهی جسمانی، بی‌توجهی آموزشی و بی‌توجهی عاطفی طبقه‌بندی نمود. مصداق‌های بی‌توجهی جسمانی شامل نبود مراقبت بهداشتی، رها کردن، نظارت ناکافی، تغذیه نامناسب، پوشاک و بهداشت

1. Neglect
2. Emotional Abuse
3. Physical Abuse
4. Sexual Abuse

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

نامناسب و مانند آن است؛ در حالی‌که بی‌توجهی آموزشی موضوعاتی مانند دادن اجازهٔ گریز از مدرسه به کودک به صورت مداوم و ناتوانی از نام‌نویسی وی در مدرسه و بی‌توجهی عاطفی مواردی چون عدم تأمین عاطفی، کودک را در معرض آزار همسر قرار دادن، اجاز دادن به کودک برای مصرف مواد و الکل و عدم مراقبت روان‌شناختی از کودک را شامل می‌شود (Marvasti, 2000).

۲-۲-۱) آزار عاطفی

آزار عاطفی شامل تهدیدهای فراوان کلامی، تمسخر، عقاید خوارکننده، سپر بلا نمودن کودک، خودداری از فراهم نمودن غذا، سرپناه، خواب و سایر ضروریات زندگی به صورت عمدی و بهره‌کشی اقتصادی از کودک است. هم‌چنین آزار عاطفی به پنج نوع تقسیم‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از طرد، منزوی نمودن، ترساندن، نادیده گرفتن و فاسد نمودن کودک و فاسد نمودن کودک شامل تقویت پرخاش‌گری، رفتارهای جنسی، مصرف مواد یا رفتار جنایی به‌وسیلهٔ کودک می‌باشد (Marvasti, 2000; Walker, et al., 1988).

۳-۲-۱) آزار جسمانی

آزار جسمانی شامل آسیب‌هایی نظیر ضربه، سوختگی، ضربه به سر، شکستگی، ایجاد آسیب‌های داخلی، زخم و سایر اشکال آسیب جسمانی می‌باشد که حداقل به مدت ۴۸ ساعت دوام داشته باشد. یکی از اشکال آزار جسمانی «نشانگان القای بیماری ساختگی» است که در آن والدین کودک را در معرض درمان دارویی، جراحی و سایر اعمال پزشکی که ضرورتی برای آن‌ها وجود ندارد قرار می‌دهند (Walker, et al., 1988).

۴-۲-۱) آزار جنسی

آزار جنسی یا خشونت جنسی علیه کودک می‌تواند شامل هر تعامل یا تماس بین کودک و بزرگسال باشد که در آن کودک برای ارضای جنسی بزرگسال مورد استفاده قرار می‌گیرد. آزار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

جنسی کودک توسط والدین و یا زنا با محارم[1] شامل هر نوع تماس جنسی (شامل تماس دیداری) بین کودک و یکی از اعضای خانواده یا جانشین والدین می‌باشد. این تماس‌های جنسی از جماع تا نمایشگری[2] و تماشاگری جنسی[3] متغیر است. هم‌چنین تحریک‌های مکرری که در کودک برانگیختگی جنسی ایجاد نموده و یا به خاطر ارضای جنسی بزرگسال انجام می‌گیرند نیز آزار جنسی در نظر گرفته می‌شود (Stevenson, 1989; Marvasti, 2000). به عبارتی آزار جنسی وادار نمودن کودک به انجام عملی است که متناسب با سن وی نبوده و کودک از درک آن عاجز است. زمانی‌که آزارگر جنسی بیش از ۵ سال از قربانی بزرگ‌تر باشد، این عمل آزار جنسی در نظر گرفته می‌شود (Pritchard, 2004).

سوء رفتار با کودک یک تهدید اصلی برای سلامتی و بهداشت کودکان محسوب می‌گردد و ضروری است که برنامه‌های حمایتی، پیشگیری و رسیدگی به این بیماری اجتماعی به اجرا درآید. نظر به همین امر، پژوهش حاضر به بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش آموزان دورهٔ راهنمایی شهر تهران می‌پردازد.

۲) پیشینهٔ مطالعه

عفیفی و همکاران در پژوهشی به بررسی شیوع کودک‌آزاری در میان نوجوانان یکی از مناطق کشور مصر پرداختند. این پژوهش بر روی ۵۵۵ دانش‌آموز با میانگین سنی ۱۵/۶ سال صورت گرفت. میزان شیوع کودک‌آزاری ۳۶/۶ درصد بود (۱۲/۳ درصد کودک‌آزاری عاطفی، ۷/۶ درصد کودک‌آزاری جسمی، ۷ درصد کودک‌آزاری جنسی و ۹/۷ درصد بی‌توجهی). مهم‌ترین عوامل پیش‌بین برای کودک‌آزاری در این مطالعه تحصیلات پایین والدین و چند همسری بودن پدر خانواده گزارش شده است (Afifi, et al., 2003). مای‌چاهال و کاوسون در پژوهشی بر روی ۲۸۶۹ نفر نشان دادند که ۷ درصد پاسخ‌دهندگان مورد کودک‌آزاری

1. Incest
2. Exhibitionism
3. Voyeurism

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

جسمانی، ۶ درصد مورد کودک‌آزاری عاطفی و ۶ درصد مورد فقدان مراقبت توسط والدین قرار گرفته بودند (Maychahal & Cowson, 2005). برگر در پژوهشی به بررسی نقش درآمد خانوار، خصوصیات خانوادگی و خشونت فیزیکی بر روی کودکان پرداختند. این پژوهش بر روی ۲۷۶۰ خانواده صورت گرفت. نتایج نشان داد که در خانواده‌های تک‌والدی، خانواده‌های دارای والدین افسرده، سابقهٔ مصرف الکل توسط مادر، وجود تاریخچهٔ مورد خشونت قرار گرفتن والدین در دوران کودکی و پایین بودن درآمد خانوار بروز کودک‌آزاری به طور معناداری بیشتر است (Berger, 2005).

نتایج پژوهشی در جمعیت عمومی ایالت انتاریوی کانادا نشان داد که ۲۳/۸ درصد از افراد ۶۵-۱۵ سال نوعی آزار جسمی خفیف را تجربه کرده‌اند (McMillan,1999). براساس نتایج تحقیقی که با هدف بررسی شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دورهٔ دبیرستانی در آفریقای جنوبی انجام شد، میزان شیوع آزار جسمی خفیف ۲۷ درصد گزارش گردید (Madu, 2001). در پژوهش دیگری، میزان شیوع کودک‌آزاری در افراد ۱۷-۱۲ ساله ۲۹/۷ درصد گزارش شده است (Jones & McCurdyc, 1992) نتایج پژوهش روس و همکاران با عنوان آزار نوجوانان در خانواده‌های چینی در هنگ کنگ نشان داد که میزان شیوع آزار جسمی ۲۸/۹ درصد، میزان خشونت خفیف در دختران ۱۱/۲ درصد و در پسران ۱۶/۹ درصد بوده است. هم‌چنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که ۸۰/۶-۷۶/۷ درصد از کودکان ۶-۳ ساله و ۵۷-۳۴ درصد از کودکان ۱۲-۵ ساله و ۲۱/۹- ۱۷/۶ درصد از کودکان ۱۶-۱۳ ساله توسط والدین خود مورد آزار جسمی واقع شده‌اند (Ross, et al., 2005).

براساس تحقیق آئین ۸۱/۱ درصد از والدین گزارش کردند که کودکان خود را مورد آزار خفیف قرار داده‌اند (آئین، ۱۳۸۰). این میزان در پژوهشی که توسط توکل با همین هدف در اصفهان انجام شد، ۸۲ درصد به دست آمد (توکل، ۱۳۷۹).

میری در پژوهشی تحت عنوان «بررسی شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دورهٔ دبیرستان شهر بم» که بر روی ۵۶۲ دانش‌آموز صورت گرفت، مشخص نمود که ۲۰/۰۲ درصد دانش‌آموزان مورد آزار جسمانی واقع شده‌اند (میری، ۱۳۸۲). هم‌چنین در این مطالعه شیوع

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

بی‌توجهی ۲۴/۹۵ درصد و میزان آزار عاطفی ۳۳/۶۶ درصد گزارش شد. نوروزی در پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان گزارش پیشینهٔ کودک‌آزاری و بی‌توجهی با توجه به تفاوت‌های جمعیت شناختی و ارتباط آن با شدت افسردگی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی تهران» بر روی ۲۲۴۰ دانش‌آموز سنین ۱۴ تا ۱۸ سال (۱۱۷۵ دختر و ۱۰۶۵ پسر) نشان داد که ۳۲ درصد دانش‌آموزان دست کم یکی از موارد بی‌توجهی را گزارش دادند. بیشترین افراد مرتکب بی‌توجهی در این مطالعه پدر و مادر بودند و ۴۳ درصد کل شرکت‌کنندگان آزار جسمی، ۲۳ درصد آزار عاطفی و ۴/۷ درصد آزار جنسی را گزارش نموده‌اند.

۳) روش مطالعه

۳-۱) نوع مطالعه

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی شهر تهران و از نوع مطالعات توصیفی ـ همه‌گیرشناسی است.

۳-۲) جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت مورد مطالعهٔ حاضر ۱۵۳۰ نفر از دانش‌آموزان راهنمایی شهر تهران شامل ۷۸۵ پسر (۵۱/۳ درصد) و ۷۴۵ دختر (۴۸/۷ درصد) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی برحسب متغیرهای جنسیت، پایهٔ تحصیلی و منطقهٔ محل زندگی انتخاب شده بودند. جهت اجرای پرسش‌نامه‌ها و رفتن به مدارس از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید.

۳-۳) ابزار مطالعه

برای گردآوری داده‌ها از یک پرسش‌نامهٔ محقق ساخته استفاده گردید. لازم به ذکر است که روایی و اعتبار پرسش‌نامهٔ محقق ساخته سنجش کودک‌آزاری در مرحلهٔ مقدماتی مورد بررسی قرار گرفت. به منظور محاسبهٔ روایی، پرسش‌نامهٔ مورد نظر تهیه و در اختیار ناظر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

محترم طرح و هم‌چنین چند نفر از کارشناسان و متخصصان قرار داده شد و روایی محتوی و صوری ابزار از نظر آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. پس از تایید روایی محتوی، پرسش‌نامه بر روی ۱۲۰ نفر از دانش‌آموزان اجرا گردید و ضریب آلفای کرونباخ آن محاسبه گردید. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای کل سوال‌های پرسش‌نامه ۰/۷۶ به دست آمد. در ارتباط با سوال‌های خرده مقیاس‌ها، بیش‌ترین مقدار ضریب آلفای کرونباخ مربوط به خرده مقیاس آزار جسمی با ۰/۸۱ و کم‌ترین آن مربوط به خرده مقیاس آزار عاطفی با ۰/۶۴ بود.

۴-۳) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش با کمک روش‌های آماری توصیفی و آزمون خی‌دو تحلیل گردید.

۴) یافته‌ها

۴-۱) انواع کودک‌آزاری

۴-۱-۱) آزار جسمی

نتایج آماره‌های توصیفی حاکی از آن بود که بیش‌ترین میزان شیوع آزار جسمی خفیف مربوط به سیلی زدن، پرت کردن وسیله و هل دادن به ترتیب با ۳۸/۳، ۳۴/۵ و ۳۲ درصد و کم‌ترین آن مربوط به کشیدن مو و تکان دادن به ترتیب با ۱۱/۸ و ۱۴/۶ درصد است. بیش‌ترین میزان شیوع آزار جسمی شدید مربوط به لگد زدن با ۳۵/۹ درصد و کم‌ترین آن مربوط به شکستن استخوان‌ها، ایجاد دررفتگی و ایجاد سوختگی به ترتیب با ۲/۴، ۳/۵ و ۶/۴ درصد می‌باشد.

۴-۱-۲) بی‌توجهی

۲۰/۵ درصد دانش‌آموزان مورد بی‌توجهی جسمی، ۱۵/۴ درصد مورد بی‌توجهی آموزشی و ۳۲/۹ درصد مورد بی‌توجهی عاطفی قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

۳-۱-۴) آزار عاطفی

از بین انواع حیطهٔ آزار عاطفی، فریاد زدن، وجود نزاع‌های خانوادگی، بی اعتنایی کردن به ترتیب با ۶۲/۵، ۴۴/۳ و ۴۳/۵ بیش‌ترین میزان شیوع و زندانی کردن، تهدید به ترک کردن و تنها گذاشتن و تهدید به از بین بردن وسایل به ترتیب با ۸/۸، ۱۶/۲ و ۱۹/۶ درصد کم‌ترین میزان شیوع را داشتند.

۲-۴) جنسیت دانش‌آموز

بر اساس نتایج جدول شمارهٔ ۱ می‌توان گفت که میان دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری از نظر شیوع آزار جسمی ($p<۰/۰۱$ و $\chi۲=۲۵/۶۵۳$). هم‌چنین تفاوت معناداری از نظر شیوع بی‌توجهی میان دانش‌آموزان دختر و پسر وجود دارد ($p<۰/۰۵$ و $\chi۲=۹/۳۴۴$)؛ نیز تفاوت معناداری از نظر شیوع آزار عاطفی میان دانش‌آموزان دختر و پسر دیده شد ($p<۰/۰۵$ و $\chi۲=۱۰/۳۶۲$).

جدول ۱: میزان شیوع کودک‌آزاری برحسب جنسیت دانش‌آموزان

نوع آزار	جنسیت	افراد مورد آزار قرار گرفته		افرادی که مورد آزار قرار نگرفته‌اند		کل	نتیجه آزمون
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
جسمی	دختر	۲۰۴	۲۷/۴	۵۴۱	۷۲/۶	۷۴۵	$\chi۲=۲۵/۶۵۳$
	پسر	۳۱۳	۳۹/۹	۴۷۲	۶۰/۱	۷۸۵	$p<۰/۰۱$
بی‌توجهی	دختر	۲۷۳	۳۶/۶	۴۷۲	۶۳/۴	۷۴۵	$\chi۲=۹/۳۴۴$
	پسر	۲۳۰	۲۹/۳	۵۵۵	۷۰/۷	۷۸۵	$p<۰/۰۵$
آزار عاطفی	دختر	۴۹۶	۶۶/۵	۲۹۷	۳۳/۵	۷۴۵	$\chi۲=۱۰/۳۶۲$
	پسر	۴۶۰	۵۸/۶	۳۸۱	۴۱/۴	۷۸۵	$p<۰/۰۵$

۳-۴) تحصیلات والدین

نتایج جدول شمارهٔ ۲ حاکی از آن است که رابطهٔ معناداری، میان تحصیلات پدران و شیوع کودک‌آزاری جسمی ($p<۰/۰۱$ و $\chi۲=۸۰/۷۹۶$). رابطهٔ معناداری میان تحصیلات پدران و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

شیوع کودک‌آزاری از نوع بی‌توجهی (p<۰/۰۱ و ۸۰/۹۱۴=χ۲). رابطهٔ معناداری میان تحصیلات پدران و شیوع کودک‌آزاری عاطفی وجود دارد (p<۰/۰۱ و ۳۶/۹۸۵=χ۲).

جدول ۲: شیوع کودک‌آزاری برحسب سطح تحصیلات پدر

نوع آزار	تحصیلات پدر	افراد مورد آزار قرار گرفته		افرادی که مورد آزار قرار نگرفته‌اند		کل	نتیجهٔ آزمون
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
جسمی	ابتدایی	۱۴۱	۴۸/۳	۱۵۱	۵۱/۷	۲۹۲	χ۲=۸۰/۷۹۶ p<۰/۰۱
	راهنمایی	۱۷۸	۴۲/۷	۲۳۹	۵۷/۳	۴۱۷	
	دیپلم	۱۳۰	۲۴/۲	۴۰۷	۷۵/۸	۵۳۷	
	فوق دیپلم	۳۱	۲۹/۸	۷۳	۷۰/۲	۱۰۴	
	لیسانس	۲۹	۲۳/۸	۹۳	۷۶/۲	۱۲۲	
	فوق لیسانس و بالاتر	۸	۱۳/۸	۵۰	۸۶/۲	۵۸	
بی‌توجهی	ابتدایی	۱۳۵	۴۶/۲	۱۵۷	۵۳/۸	۲۹۲	χ۲=۸۰/۹۱۴ p<۰/۰۱
	راهنمایی	۱۶۸	۴۰/۳	۲۴۹	۵۹/۷	۴۱۷	
	دیپلم	۱۲۹	۲۴	۴۰۸	۷۶	۵۳۷	
	فوق دیپلم	۴۳	۲۰/۲	۶۱	۷۹/۸	۱۰۴	
	لیسانس	۱۹	۱۵/۶	۱۰۳	۸۴/۴	۱۲۲	
	فوق لیسانس و بالاتر	۹	۱۵/۵	۴۹	۸۴/۵	۵۸	
آزار عاطفی	ابتدایی	۲۱۲	۷۲/۶	۸۰	۲۷/۴	۲۹۲	χ۲=۳۶/۹۸۵ p<۰/۰۱
	راهنمایی	۲۸۷	۶۸/۸	۱۳۰	۳۱/۲	۴۱۷	
	دیپلم	۲۹۸	۵۵/۵	۲۳۹	۴۴/۵	۵۳۷	
	فوق دیپلم	۶۱	۵۸/۷	۴۳	۴۱/۳	۱۰۴	
	لیسانس	۶۸	۵۵/۷	۵۴	۴۴/۳	۱۲۲	
	فوق لیسانس و بالاتر	۳۰	۵۱/۴	۲۸	۴۸/۶	۵۸	

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

نتایج جدول شمارهٔ ۳ نشان می‌دهد که رابطهٔ معناداری میان تحصیلات مادران و شیوع کودک‌آزاری جسمی وجود دارد (χ^2=۳۸/۳۸۴ و p<۰/۰۱)؛ میان تحصیلات مادران و شیوع کودک‌آزاری از نوع بی‌توجهی نیز رابطهٔ معناداری وجود دارد (χ^2=۳۴/۷۵۸ و p<۰/۰۱). هم‌چنین رابطهٔ معناداری میان تحصیلات مادران و شیوع آزار عاطفی کودکان وجود دارد (χ^2=۶۸/۸۶۲ و p<۰/۰۱).

جدول ۳: شیوع کودک‌آزاری برحسب سطح تحصیلات مادر

نوع آزار	تحصیلات مادر	افراد مورد آزار قرار گرفته		افرادی که مورد آزار قرار نگرفته‌اند		کل	نتیجهٔ آزمون
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
جسمی	ابتدایی	۱۴۱	۴۳/۵	۱۸۳	۵۶/۵	۳۲۴	χ^2=۳۸/۳۸۴ p<۰/۰۱
	راهنمایی	۱۷۵	۳۹/۲	۲۷۱	۶۰/۸	۴۴۶	
	دیپلم	۱۵۳	۲۷/۴	۴۰۵	۷۲/۶	۵۵۸	
	فوق دیپلم	۱۴	۲۶/۴	۳۹	۷۳/۶	۵۳	
	لیسانس	۲۷	۲۴/۱	۸۵	۷۵/۹	۱۱۲	
	فوق لیسانس و بالاتر	۷	۱۴/۹	۴۰	۸۵/۱	۴۷	
بی‌توجهی	ابتدایی	۱۳۱	۴۰/۴	۱۹۳	۵۹/۶	۳۲۴	χ^2=۳۴/۷۵۸ p<۰/۰۱
	راهنمایی	۱۷۱	۳۸/۳	۲۷۵	۶۱/۷	۴۴۶	
	دیپلم	۱۵۷	۲۸/۱	۴۰۱	۷۱/۹	۵۵۸	
	فوق دیپلم	۱۳	۲۴/۵	۴۰	۷۵/۵	۵۳	
	لیسانس	۲۲	۱۹/۶	۹۰	۷۰/۴	۱۱۲	
	فوق لیسانس و بالاتر	۹	۱۹/۱	۳۸	۸۰/۹	۴۷	
آزار عاطفی	ابتدایی	۲۳۲	۷۱/۶	۹۲	۲۸/۴	۳۲۴	χ^2=۶۸/۸۶۳ p<۰/۰۱
	راهنمایی	۳۰۹	۶۹/۳	۱۳۷	۳۰/۷	۴۴۶	
	دیپلم	۳۲۵	۵۸/۲	۲۳۳	۴۱/۸	۵۵۸	
	فوق دیپلم	۲۸	۵۲/۸	۲۵	۴۷/۲	۵۳	
	لیسانس	۵۰	۴۴/۶	۶۲	۵۵/۴	۱۱۲	
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۲	۲۵/۵	۳۵	۷۴/۵	۴۷	

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

۴-۴) شغل والدین

نتایج جدول شمارهٔ ۴ نشان می‌دهد که رابطهٔ معناداری میان شغل پدران و شیوع کودک‌آزاری جسمی وجود ندارد (p<۰/۰۱ و χ^2=۶۸/۸۶۲). اما رابطهٔ معناداری میان شغل پدران و شیوع کودک‌آزاری از نوع بی‌توجهی وجود دارد (p<۰/۰۱ و χ^2=۳/۹۴۷)؛ و رابطهٔ معناداری میان شغل پدران و شیوع آزار عاطفی کودکان دیده شد (p<۰/۰۱ و χ^2=۱۴/۴۶۸).

جدول ۴: شیوع کودک‌آزاری برحسب شغل پدر

نوع آزار	شغل پدر	افراد مورد آزار قرار گرفته		افرادی که مورد آزار قرار نگرفته اند		کل	نتیجه آزمون
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
جسمی	کارمند	۱۱۹	۳۱/۶	۲۵۸	۶۸/۴	۳۷۷	χ^2=۳/۹۴۷ p>۰/۰۵
	کارگر	۱۱۴	۳۵/۲	۲۱۰	۶۴/۸	۳۲۴	
	آزاد	۱۹۷	۳۲/۴	۴۱۱	۶۷/۶	۶۰۸	
	بیکار	۳۶	۴۱/۴	۵۱	۵۸/۶	۸۷	
	بازنشسته	۴۷	۳۵/۱	۸۷	۶۴/۹	۱۳۴	
بی‌توجهی	کارمند	۱۰۷	۲۸/۴	۲۷۰	۷۱/۶	۳۷۷	χ^2=۳۶/۹۳۵ p<۰/۰۱
	کارگر	۱۵۱	۴۶/۶	۱۷۳	۵۳/۴	۳۲۴	
	آزاد	۱۸۲	۲۹/۹	۴۲۶	۷۰/۱	۶۰۸	
	بیکار	۲۹	۳۳/۳	۵۸	۶۶/۷	۸۷	
	بازنشسته	۳۴	۲۵/۴	۱۰۰	۷۴/۳	۱۳۴	
آزار عاطفی	کارمند	۲۲۳	۵۹/۲	۱۵۴	۴۰/۸	۳۷۷	χ^2=۱۴/۴۶۸ p<۰/۰۱
	کارگر	۲۰۵	۶۳/۳	۱۱۹	۳۶/۷	۳۲۴	
	آزاد	۳۹۹	۶۵/۶	۲۰۹	۳۴/۴	۶۰۸	
	بیکار	۶۱	۷۰/۱	۲۶	۲۹/۹	۸۷	
	بازنشسته	۶۸	۵۰/۷	۶۶	۴۹/۳	۱۳۴	

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

نتایج جدول شمارهٔ ۵ نشان می‌دهد که رابطهٔ معناداری میان شغل مادران و شیوع کودک‌آزاری جسمی وجود دارد و شیوع کودک‌آزاری در مادران خانه دار به طور معناداری بیشتر است (p<۰/۰۱ و ۴۹/۸۵۹=χ۲)؛ رابطهٔ معناداری میان شغل مادران و شیوع کودک‌آزاری از نوع بی‌توجهی وجود ندارد (p<۰/۰۱ و ۳/۰۸۴=χ۲)؛ در حالی‌که میان شغل مادران و شیوع آزار عاطفی رابطهٔ معناداری وجود دارد (p<۰/۰۱ و ۶۴/۹۳۸=χ۲).

جدول ۵: شیوع کودک‌آزاری برحسب شغل مادر

نوع آزار	شغل مادر	افراد مورد آزار قرار گرفته		افرادی که مورد آزار قرار نگرفته اند		کل	نتیجه آزمون
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
جسمی	خانه دار	۴۶۹	۳۸/۲	۷۵۸	۶۱/۸	۱۲۲۷	χ۲=۴۹/۸۵۹
	شاغل	۴۸	۱۶/۴	۲۴۴	۸۳/۶	۲۹۲	p<۰/۰۱
بی توجهی	خانه دار	۴۱۹	۳۴/۱	۸۰۸	۶۵/۹	۱۲۲۷	χ۲=۳/۰۸۴
	شاغل	۸۴	۲۸/۸	۲۰۸	۷۱/۲	۲۹۲	p>۰/۰۵
آزار عاطفی	خانه دار	۸۳۲	۶۷/۸	۳۹۵	۳۱/۲	۱۲۲۷	χ۲=۶۴/۹۳۸
	شاغل	۱۲۴	۴۴/۲	۱۶۸	۵۵/۸	۲۹۲	p<۰/۰۱

۵-۴) طلاق والدین

نتایج جدول شمارهٔ ۶ نشان می‌دهد که رابطهٔ معناداری میان طلاق والدین و شیوع کودک‌آزاری جسمی وجود دارد و شیوع کودک‌آزاری جسمی در والدین مطلقه به طور معناداری بیشتر است (p<۰/۰۱ و ۱۱/۹۲۴=χ۲)؛ رابطهٔ معناداری میان طلاق والدین و شیوع کودک‌آزاری از نوع بی‌توجهی وجود دارد و شیوع بی‌توجهی در والدینی که از هم طلاق گرفته‌اند نیز به طور معناداری بیشتر است (p<۰/۰۱ و ۱۸/۰۹۴=χ۲)؛ از سوی دیگر رابطهٔ معناداری میان طلاق والدین و شیوع آزار عاطفی وجود ندارد (p<۰/۰۱ و ۲/۶۷۵=χ۲).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

جدول ۶: شیوع کودک‌آزاری برحسب طلاق والدین

نوع آزار	طلاق والدین	افراد مورد آزار قرار گرفته		افرادی که مورد آزار قرار نگرفته اند		کل	نتیجه آزمون
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
جسمی	والدین مطلقه	۲۶	۵۷/۷	۱۹	۴۲/۳	۴۵	χ^2=۱۱/۹۲۴
	والدین بدون طلاق	۴۹۱	۳۳/۱	۹۹۴	۶۶/۹	۱۴۸۵	p<۰/۰۱
بی‌توجهی	والدین مطلقه	۲۸	۶۲/۲	۱۷	۳۷/۸	۴۵	χ^2=۱۸/۰۹۴
	والدین بدون طلاق	۴۷۵	۳۲	۱۰۱۰	۶۸	۱۴۸۵	p<۰/۰۱
آزار عاطفی	والدین مطلقه	۳۴	۷۵/۵	۱۱	۲۴/۵	۴۵	χ^2=۲/۶۷۵
	والدین بدون طلاق	۹۲۲	۶۲/۱	۵۶۲	۳۷/۹	۱۴۸۵	p>۰/۰۵

۵) بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات قبلی دارای مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی است. بخشی از تفاوت‌های در نتایج مطالعات را می‌توان به اختلاف سطح فرهنگی و تربیتی جامعه‌های مورد مطالعه مرتبط دانست. منظور از فرهنگ، هنجارهای رفتاری و نگرش‌هایی است که باورها و رفتارهای مربوط به یک بیماری، عملکردهای مراقبتی و بهداشتی و غیره را شکل می‌دهد (Pritchard، 2002). از علل دیگر می‌توان به تفاوت در ویژگی‌های جمعیت شناختی و اختلاف در ابزار اندازه‌گیری خشونت ارتباط داد. به عنوان مثال در دو پژوهش آئین (۱۳۸۰) و توکل (۱۳۷۹) که شیوع آزار جسمی خفیف ۸۱ و ۸۲ درصد بیان شده است، اشکال بسیار خفیف آزار نیز در نظر گرفته شده است.

در پژوهش حاضر، سیلی زدن بیش‌ترین میزان شیوع را در میان انواع آزار جسمی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

خفیف با ۳۸/۳ درصد به خود اختصاص داده است. در پژوهش اندیرویان نیز این نوع آزار بیش‌ترین شیوع را داشته است (۵۳/۸ درصد) (اندیرویان، ۱۳۷۵). توکل در پژوهش خود به شیوع ۲۳ درصد، آئین (۱۳۸۰) ۳۷/۲ درصد، نوروزی (۱۳۷۲) ۴۸ درصد و میری (۱۳۸۲) ۴۲/۶ درصد دست یافته‌اند. علت احتمالی تفاوت در میزان شیوع مربوط به نگرش افراد نسبت به بعضی آزارها مانند سیلی زدن و به کفل زدن است که برخی آن را جزیی از تربیت و انضباط دانسته و دلیلی برای گزارش کردن آن احساس نمی‌کنند. این در حالی است که براساس نتایج برخی مطالعات این نوع تنبیه‌ها می‌توانند پیامدهای ناگواری را به دنبال داشته باشد. از جمله در پژوهش مک میلان با هدف بررسی شیوع سیلی زدن و به کفل زدن در کودکی و ارتباط آن با اختلالات روان‌پزشکی در بزرگسالی مشخص شد که سیلی خوردن در کودکی سبب افزایش بروز اختلالات اضطرابی، سوء مصرف مواد غیرمجاز و مشکلات رفتاری برونی‌سازی[1] در بزرگسالی می‌گردد (McMillan,2001).

نتایج پژوهش حاضر در حیطهٔ بی‌توجهی، شیوع بی‌توجهی جسمی را ۲۰/۵ درصد، بی‌توجهی آموزشی را ۱۵/۴ درصد و بی‌توجهی عاطفی را ۳۲/۹ درصد نشان داد. در بعد جسمی بیش‌ترین شیوع مربوط به فراهم نکردن امکانات تفریح در خارج از منزل، در بعد آموزشی مربوط به بی‌توجهی نسبت به درخواست‌های مدرسه و عدم فراهم آوردن نیازهای آموزشی و در بعد عاطفی بیش‌ترین شیوع مربوط به عدم حمایت عاطفی و بی‌توجهی نسبت به علاقه‌مندی‌های کودک می‌باشد. براساس نتایج مطالعهٔ جونز و مک کوردی میزان بی‌توجهی جسمی ۱۴/۱ درصد گزارش گردید (Jones & McCurdyc,1992). هم‌چنین براساس نتایج تحقیق قاسم در کویت مصادیق بی‌توجهی شامل محروم کردن از پول (۲۰/۶ درصد)، محروم کردن از غذا (۹/۷ درصد) و محروم کردن از تفریح (۳۷/۱ درصد) بوده است (Quesem,1998). نتایج مطالعه اندیرویان بیان‌گر این بود که میزان بی‌توجهی عاطفی ۳۷/۲۴ درصد، بی‌توجهی هنگام بیماری ۳۲/۸۴ درصد، بی‌توجهی نسبت به فراهم کردن غذای کافی ۴۵/۵۴ درصد و بی‌توجهی آموزشی ۳/۱۲ درصد بوده است (اندیرویان، ۱۳۷۵).

1. Externalizing Behavior Problems

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

در پژوهش میری (۱۳۸۲) نیز مشخص گردید که ۲۴/۹ درصد از دانش‌آموزان به نوعی مورد بی‌توجهی واقع شده‌اند. از این میزان ۲۵/۷۶ درصد را بی‌توجهی جسمی، ۱۸/۷۳ درصد را بی‌توجهی آموزشی و ۲۹/۳ درصد را بی‌توجهی عاطفی به خود اختصاص داده‌اند (میری، ۱۳۸۲). نتایج مربوط به پژوهش آئین در شهرکرد نشان داد که ۷۷/۷ درصد از والدین نسبت به تهیه پوشاک و غذای مورد نیاز کودک بی‌توجهی داشته‌اند. هم‌چنین ۱۷/۲ درصد بی‌توجهی نسبت به فراهم کردن نیازهای آموزشی و ۷۸/۶ درصد نیز بی‌توجهی نسبت به عواطف کودکان را بیان کرده‌اند (آئین، ۱۳۸۰). در پژوهش یزدان پناه با هدف تعیین شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی شهر رفسنجان مشخص گردید که بیش‌ترین میزان بی‌توجهی در واحدهای مورد پژوهش مربوط به بی‌توجهی نسبت به تفریح با ۶۱/۱ درصد بوده است (یزدان‌پناه، ۱۳۷۹). بررسی نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که بی‌توجهی در جوامع با فرهنگ‌های مختلف به میزان بالایی وجود دارد و تفاوت‌هایی که در گزارش نتایج مطالعات مختلف وجود دارد می‌تواند ناشی از تفاوت نگرش والدین و جامعه نسبت به برآوردن نیازهای اساسی کودک و تفاوت در روش‌شناسی تحقیق دانست. بررسی تاثیر بی‌توجهی و سوء رفتار بر پرخاش‌گری، گوشه‌گیری و رفتارهای اجتماعی در آمریکا نشان داد کودکانی که مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند نسبت به کودکان گروه کنترل گوشه‌گیرتر بوده‌اند و هم‌چنین این کودکان اعتماد به نفس کم‌تر، احساس ناامیدی بیش‌تری داشته و نسبت به خود اطمینان کم‌تری دارند. این کودکان انعطاف‌پذیری و کنترل کم‌تری بر روی خود داشته و در ارتباط با دوستان خود مشکلات زیادی دارند (Lewis, 2002).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در حیطهٔ آزار عاطفی، بیش‌ترین میزان شیوع مربوط به فریاد زدن، وجود نزاع‌های خانوادگی و بی‌اعتنایی کردن به ترتیب با ۶۲/۵، ۴۴/۳ و ۴۳/۵ درصد و کم‌ترین آن مربوط به زندانی کردن، تهدید به ترک کردن و تنها گذاشتن و تهدید به از بین بردن وسایل مورد علاقه به ترتیب با ۸/۸، ۱۶/۲ و ۱۸/۶ درصد بودند. براساس نتایج مطالعه‌ای در آمریکا مشخص گردید که بیش از دو سوم کودکان حداقل یک مورد تهاجم کلامی و بیش از یک سوم کودکان حداقل ۱۱ بار تجربهٔ خشونت کلامی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

والدین خود را تجربه کرده‌اند (Vissing & straus,1991). بررسی نتایج پژوهش جونز و مک کوردی بیان‌گر آن است که میزان بدرفتاری عاطفی در نوجوانان ۱۷-۱۲ ساله ۴۲/۱ درصد بوده است (Jones & McCurdyc,1992). هم‌چنین نتایج پژوهش بونتاین با عنوان عوامل پیش‌بینی‌کنندهٔ تنبیه‌های بدی در آمریکا نشان داد که ۳۴/۴ درصد از کودکان مورد مطالعه شاهد کتک خوردن سایر اعضای خانواده، ۴۸/۱ درصد مورد انتقاد قرار گرفتن و ۵۹/۲ درصد مسخره کردن قرار گرفته‌اند (Buntain, 1994) و نیز نتایج پژوهش قاسم نشان داد که ۵۹/۸ درصد از والدین فریاد زدن، ۶۸/۵ درصد انتقاد کردن و ۲۹ درصد ناسزا گفتن را به‌عنوان یکی از روش‌های تنبیهی برای کودکان خود به کار برده‌اند (Quesem,1998).

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که تفاوت معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان و بروز کودک‌آزاری در حیطه‌های آزار جسمی، آزار عاطفی و آزار تحصیلی وجود دارد، اما تفاوت معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان و بی‌توجهی به دست نیامد. میزان شیوع آزار جسمی در دانش‌آموزان پسر به‌طور معناداری بیش‌تر از دانش‌آموزان دختر بود. در تحقیق روز و همکاران نیز مشخص گردید که شیوع آزار جسمی در دانش‌آموزان پسر بیش‌تر از دانش‌آموزان دختر است (Ross, et al., 2005) و شِر و همکاران نیز در پژوهش خود به نتیجه مشابهی دست یافته‌اند (Scher, et al., 2004). کوربی معتقد است که والدین برای تنبیه کودکان پسر غالباً از روش‌های خشن مانند تنبیه بدنی استفاده می‌کنند، در حالی‌که برای تنبیه دختران خود از روش‌های کم‌تر خشونت‌آمیز مانند طرد، تحقیر و بی‌توجهی و فریاد زدن استفاده می‌کنند (Corby, 2000).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین میزان تحصیلات والدین و کودک‌آزاری رابطهٔ معناداری وجود دارد، به‌طوری‌که بروز آزار در مادران و پدران دارای تحصیلات پایین به‌طور معناداری بیشتر از والدین با تحصیلات بالا بود. براساس نتایج تحقیق قاسم یک ارتباط قوی و منفی بین میزان تحصیلات والدین و نگرش آن‌ها نسبت به تنبیه بدنی وجود دارد. بدین ترتیب که ۴۲ درصد والدین بی‌سواد و ۱۵ درصد والدین دارای تحصیلات دبیرستان و بالاتر با تنبیه بدنی شدید موافق بودند (Quesem, 1998). نتایج پژوهش آئین

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

(۱۳۸۰)، یزدان‌پناه (۱۳۷۹)، توکل (۱۳۷۹) و هادی (Hadi, 2000) نیز در این رابطه با نتایج پژوهش حاضر مطابقت دارد.

وقوع بیش‌تر آزار در خانواده‌های دارای تحصیلات پایین را می‌توان ناشی از فقدان دانش و آگاهی کافی آن‌ها از فرآیند رشد و تکامل کودک و نیازهای جسمی و عاطفی کودک دانست. علاوه بر این، والدین دارای تحصیلات پایین بیش‌تر متعلق به طبقات پایین و محروم جامعه بوده که احتمال شکل‌گیری و تسریع الگوهای بدرفتاری در آن‌ها بیش‌تر است. در این رابطه احدی ذکر می‌کند بین میزان تحصیلات کم والدین و سوء رفتار ارتباط قوی وجود دارد (احدی، ۱۳۷۳). میزان تحصیلات والدین در شیوهٔ رفتار آنان با فرزندان تاثیر فراوانی دارد. پدر و مادری که دارای تحصیلات بالاتر هستند در مقایسه با والدینی که دارای تحصیلات پایین‌تر می‌باشند رفتار دوستانه‌تری با فرزندان خود دارند و بیش‌تر به نیازهای عاطفی و جسمی آنان توجه می‌کنند.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که رابطهٔ معناداری میان طلاق والدین و کودک آزاری جسمانی و بی‌توجهی وجود دارد، اما رابطهٔ معناداری میان طلاق والدین و آزار عاطفی به دست نیامد. در پژوهش اورال مشخص گردید که ۵۲ درصد از موارد آزار توسط کودکانی گزارش شده بود که والدین آن‌ها از هم جدا شده بودند (Oral, 2001). براساس نتایج پژوهش شامکاسیم در ۴۸ مورد از ۱۱۹ مورد مطالعه مشکلاتی نظیر طلاق، متارکه و ناسازگاری‌های شدید خانوادگی وجود داشته است. بالا بودن شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزانی که والدین آن‌ها از هم جدا شده‌اند می‌تواند ناشی از مسئولیت بیش‌تر مادر در توجه و مراقبت از فرزندان و نقش کم‌تر پدر در جبران کمبودهای فرزندان باشد (Shamkasim, 1994).

به نظر بتز بچه‌هایی که در خانواده‌های تک‌والدی بزرگ شده‌اند ۷۷ درصد ریسک بالاتری برای آزار جسمی و ۸۰ درصد ریسک بیش‌تری برای آسیب‌های جدی ناشی از آزار جسمی و بی‌توجهی نسبت به کودکان دو والدی دارند (Betz, 2000). از نظر وارکاریولیس وجود استرس بیش‌تر در خانواده‌های تک‌والدی سبب می‌شود که شخص از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

آزار اعضای خانواده به عنوان یک مکانیسم دفاعی استفاده کند. شخصی که روی رفتار خود کنترل دارد، می‌تواند مشکلات خود را از طریق سیستم‌های حمایتی حل نماید و رفتارهای آزاردهنده خویش را کاهش دهد، ولی شخصی که عصبانیت خود را فرافکنی می‌کند، سبب آزار دیگران می‌شود (Varcarolis, 1994) و در خانواده‌های تک والدی به دلیل ضعیف بودن سیستم‌های حمایتی میزان آزار افزایش می‌یابد. به نظر کمپل نبودن سیستم‌های حمایتی موجود همراه با استرس‌های تحمیل شده توسط کودک با شرایط دشوار محیطی سبب می‌گردد که این والدین نسبت به بحران‌های موجود بسیار آسیب‌پذیر بوده و جهت تخلیه و آزادسازی محرومیت فزایندهٔ خود نسبت به کودک خشونت ورزیده و یا نسبت به نیازهای جسمانی و عاطفی وی بی‌توجه شوند (Campbell, 1995).

با توجه به هدف مطالعهٔ حاضر یعنی بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری، **محدودیت** اصلی این مطالعه نبود ابزار پژوهش متناسب با فرهنگ ایران در حوزهٔ کودک‌آزاری بود. با توجه به این محدویت، در پژوهش حاضر از پرسش‌نامهٔ محقق ساخته استفاده شد. با توجه به این‌که از میان ویژگی‌های روان‌سنجی در پژوهش حاضر فقط به بررسی روایی محتوایی، صوری و ضریب اعتبار آلفای کرونباخ اکتفا شده است، **پیشنهاد** می‌شود که محققان بعدی بر روی جوامع مشابه این پژوهش و جوامع پژوهشی مختلف به ساخت و هنجاریابی این نوع پرسش‌نامه‌ها اقدام کنند. تا زمانی که عوامل به‌دست آمده و نام‌گذاری آن‌ها منطقی نباشد و به یک حالت ثبات نسبی نرسیده باشد، هرگونه مطالعه و بررسی در خصوص نتایج پژوهش‌های شده باید با احتیاط انجام گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

منابع

References

- آئین، فرهاد. (۱۳۸۰)، «بررسی اشکال مختلف سوء رفتار با کودک و برخی عوامل مستعدکننده آن در خانواده‌های مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های شهرکرد در سال ۱۳۷۸»، **فصلنامه پرستاری و مامایی ایران**، شمارهٔ ۲۸.
- احدی، حسن. (۱۳۷۳)، **روان‌شناسی رشد**، تهران، انتشارات بنیاد.
- اندیرویان، وحیده. (۱۳۷۵)، **بررسی شیوع آزار جسمی و عاطفی در دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی شهرستان اهواز در سال تحصیلی ۷۵**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد پرستاری. اهواز، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی اهواز.
- توکل، خدایار. (۱۳۷۹)، «بررسی اشکال سوء رفتار با کودک در خانواده‌ها». **مجلهٔ علمی دانشکده پرستاری و مامایی اصفهان**، شمارهٔ ۱۴.
- میری، سکینه. (۱۳۸۲)، **بررسی شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره دبیرستان شهر بم**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد پرستاری. کرمان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی ایران.
- نوروزی، فاطمه. (۱۳۷۲)، **بررسی میزان گزارش پیشینه کودک‌آزاری و بی‌توجهی با توجه به تفاوت‌های جمعیت‌شناختی و ارتباط آن با شدت افسردگی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی شهر تهران**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی. تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- یزدان‌پناه، مهدی. (۱۳۷۹)، **بررسی شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی شهر رفسنجان**، پایان‌نامهٔ دکتری پزشکی عمومی، رفسنجان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی رفسنجان.

- Afifi, Z.E.; El-Lawind, M.I.; Ahmed, S.A. & Basily, W.W. (2003), "Adolescent Abuse in a Community Sample in Beni Suef, Egypt: Prevalence and Risk Factors", **Eastern Mediterranean Health Journal**, 9 (5-6).
- Alexander, R.C.; Levitt, C.J. & Smith, W.L. (2001), **Child Abuse: Medical Diagnosis and Management, Philadelphia**, Lippincott, Williams & Wilkins.
- Berger, L.M. (2005), "Income, Family Characteristics and Physical Violence toward Children", **Child Abuse & Neglect**, 29 (5)
- Betz, C. (2000), **Pediatric Nursing Reference**. Philadelphia, Mosby Co.
- Black , D. A.; Smith Slep, A. M. & Heyman, R. E. (2001), "Risk Factors for Child Psychological Abuse", **Aggression and Violent Behavior**, 6.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

References منابع

- Buntain, R. (1994), "Punishments: What Predicts Adult Approval?", **Child Abuse & Neglect**, 18(11).
- Campbell, S. (1995), **Whaley and Wong Childre**, Philadelphia, Mosby Co.
- Corby, B. (2000), **Child Abuse toward a Knowledge Base**, London, Bran Corby Co.
- Hadi, A. (2000), "Child Abuse among Working Children in Rural Bangladesh: Prevalence and Determinants", **Public Health**, 114 (1).
- Jones, E. & Mc Curdyc, B. (1992), "The Links between Types of Maltreatment and Demographic Characteristics of Children", **Child Abuse & Neglect**. 16 (2).
- Lewis, M. (2002), **Child and Adolescent Psychiatry: A Compressive Textbook**, Philadelphia, Melvin Lewis Lippincott.
- Madu, S. (2001), "The Prevalence of Child Psychological, Physical, Emotional and Ritualistic Abuse among High School Students in Mpumalanga province (South Africa)", **Psychological Rep**, 89 (2).
- Marvasti, J. A. (2000), **Child Suffering in the World: Child Maltreatment by Parents, Culture and Governments in Different Countries and Cultures**, Manchester, Sexual Trauma Center Publication.
- May-Chahal, C. & Cawson, P. (2005), "Measuring Child Maltreatment in the United Kingdom: A Study of the Prevalence of Child Abuse and Neglect", **Child Abuse & Neglect**, 29 (2).
- McMillan, H.L. (1999), "Slapping and Spanking in Childhood and Its Association with Lifetime Prevalence of Psychiatric Disorder in a General Population Sample",. **CMAJ**, 161 (7).
- McMillan, H.L. (2001), "The Sequence of Child Maltreatment", **Current Option in Psychiatry**, 14 (1).
- Mills, L.G; Friend, C; Conroy, K.; et al. (2000), "Child Protection and Domestic Violence: Training, Practice and Policy Issues", **Children and Youth Services Review**, 22 (1).
- Oral, R. (2001), "Child Abuse in Turkey: An Experience in Overcoming Denial and a description of 50 cases", **Child Abuse & Neglect**, 25(3).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

References منابع

- Pritchard,C. (2004), **The Child Abusers: Research and Controversy**, London, Open University Press.
- Quesem, F. (1998), "Attitudes of Kuwaiti Parents toward Physical Punishment of Children", **Child Abuse & neglect**, 22 (12).
- Ross, C.A.; Keyes, B.B.; Xiao, Z.; Yan, H.; Wang, Z.; Zou, Z.; Xu, Y.; Chen, J. & Zhang, H. (2005), "Child Physical and Sexual Abuse in China", **Child Abuse & Neglect**, 29 (4).
- Scher, C.D.; Forde, D.R.; McQuaid, J.R & Stein, M.B (2004), "Prevalence and Demographic Correlates of Childhood Maltreatment in an Adult Community Sample", **Child Abuse & Neglect**, 28 (1).
- Shahar, G. (2001), "Maternal Personality and Distress as Predictors of Child Neglect", **Journal of Research in Personality**, 35.
- Shamkasim, M. (1994), "Social Factor in Relation to Physical Abuse in Kualalumpur, Malaysia", **Child Abuse & Neglect**, 15(5).
- Stevenson, O. (1989), **Child Abuse: Professional Practice and Public Policy**, New York, Harvester Wheatsheaf.
- Varcarolis, E. (1994), **Foundations of Psychiatric Mental Health Nursing**, Philadelphia, W.B Saunders.
- Vissing, Y & Straus, M. (1991), "Verbal Aggression by Parents and Psychological Problems of Children", **Child Abuse & Neglect**, 15 (1).
- Walker, C. E.; Kaufman, K. L. & Bonner, B. L. (1988), **The Physically and Sexually Abused Children: Evaluation and Treatment**, New York, Pergamon.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]

دیگر مقالات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-12]